**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«بررسی و واکاوی نیاز به ایجاد رابطه اخوت و برادری و ارتباط اسماء الهی با این پیوند مقدس با استعانت از آیات سوره مبارکه حجرات و روایات نورانی معصومین علیهم السلام»**

مرحله اول: قرئت آیات 10 تا 13 سوره مبارکه حجرات:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُواْ بین اخویکم وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لعلکم تُرْحَمُونَ(10)

يَأَيهَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسىَ أَن يَكُونُواْ خَيرًا مِّنهُمْ وَ لَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسىَ أَن يَكُنَّ خَيرًا مِّنهُنَّ وَ لَا تَلْمِزُوا[[1]](#footnote-1)[[2]](#footnote-2) انفسکم وَ لَا تَنَابَزُواْ بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْايمَانِ وَ مَن لَّمْ يَتُبْ فَأُوْلَئكَ هُمُ الظَّالِمُونَ(11)

يَأَيهَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ الظن إِنَّ بَعْضَ الظن إِثْمٌ وَ لَا تجَسَّسُواْ وَ لَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَ يحُبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ(12)

يَأَيهُا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكمُ مِّن ذَكَرٍ وَ أُنثىَ‏ وَ جعلناکم شُعُوبًا وَ قَبَائلَ لِتَعَارَفُواْ إِنَّ اکرمکم عِندَ اللَّهِ أَتْقَئكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ(13)

جز اين نيست كه همه مؤمنان با هم برادرند بنابراين [در همه نزاع ها و اختلافات‏] ميان برادرانتان صلح و آشتى برقرار كنيد، و از خدا پروا نماييد كه مورد رحمت قرار گيريد. (10)

اى اهل ايمان! نبايد گروهى گروه ديگر را مسخره كنند، شايد مسخره شده‏ها از مسخره كنندگان بهتر باشند، ونبايد زنانى زنان ديگر را [مسخره كنند] شايد مسخره شده‏ها از مسخره كنندگان بهتر باشند، و از يكديگر عيب‏جويى نكنيد و با لقب هاى زشت و ناپسند يكديگر را صدا نزنيد بد نشانه و علامتى است اينكه انسانى را پس از ايمان آوردنش به لقب زشت علامت‏گذارى كنند. و كسانى كه [از اين امور ناهنجار و زشت‏] توبه نكنند، خود ستمكارند. (11)

اى اهل ايمان! از بسيارى از گمان ها [در حقّ مردم‏] بپرهيزيد زيرا برخى از گمان ها گناه است، و [در امورى كه مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پى‏جويى نكنيد، و از يكديگر غيبت ننماييد، آيا يكى از شما دوست دارد كه گوشت برادر مرده‏اش را بخورد؟ بى‏ترديد [از اين كار] نفرت داريد، و از خدا پروا كن

يد كه خدا بسيار توبه‏پذير و مهربان است. (12)

اى مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفريديم و ملت ها و قبيله ها قرار داديم تا يكديگر را بشناسيد. بى‏ترديد گرامى‏ترين شما نزد خدا پرهيزكارترين شماست. يقيناً خدا دانا و آگاه است. (13)

**طرح نیاز:**

**نیاز به دوستی و تالیف و ارتباط اخوت داشتن با خواهران دینی جهت مقصد واحدی که همه به سوی آن در حرکتیم..**

**\*) مرحله دوم ،تحلیل عقلی نیاز**

برای درک بیشتر از نیاز و بهره بیشتر بردن از ایات و روایات نورانی ، در این مرحله سعی شده است به مقدمات و فروع و لوازم نیاز، آثار ایجاد آن نیاز، فطری یا عقلی بودن آن نیاز، فردی یا اجتماعی بودن آن نیاز و تبعات فقدان آن نیاز پراداخته شود

انسان موجودی اجتماعی است و برای رشد و شکوفایی فطرتش نیاز به ایجاد انواع ارتباط با محیط اطرافش و انسانهای اطرافش است.. و به میزان نیازی که دارد دایره روابطش نیز عمیقتر و وسیع تر میشود.

به یمن و برکت طلوع عزیز پیامبر هستی بخش.. انسان با نیازهای حقیقی وجودش مواجه شد.و با فعالسازی طلبش ، طیفی از مقاصد و حرکتهای عظیم توحیدی در درونش به جریان می افتد.

و انگیزه و اراده و قصد ها و نیت های مومنانه و مجاهدانه شروع به تجلی کردن میکنند..

متناسب با این جنبش ها و میل به قیام ، ارتباطات و روابط در لایه های گوناگون شکل میگیرد.

از لایه های ارتباطی که برای حرکتهای اجتماعی ناگزیر از ایجاد آنها هستیم، روابط برادری و اخوت است.

بنابراین میتوان در ضرورت تشکیل این نیاز به دلایل زیر اشاره کرد:

1ـ شکوفایی فردی و اجتماعی

2ـ بسیاری از عیوب و نقصهای انسان در لایه روابط با دیگران مشخص میشود. لذا برای کشف عیوب و اصلاح به موقع آنان ارتباط گیری امری اجتناب ناپذیر است

3ـ شکوفایی فضل ها

4ـ شکرگزاری از فضلها و توانمندیهایی که خداوند در اختیار انسان گذاشته است

5ـ ایجاد الفت و محبت و مودت بین قلوب مومنین

6ـ حظ و بهره بردن از الطاف خداوند که به برادران و خواهران دینی عنایت کرده است

7ـ سرعت دادن در سیر رسیدن به منافع و مقاصد حقیقی(اعم از جزیی و کلی)

8ـ بسیاری از مقاصد و حرکتهای اجتماعی در جمع های ربانی و اجتماع مومنین به وقوع میپیوندد. لذا حیات مقاصد اجتماعی به روابط هر چه بیشتر برادری و اخوت وابسته است.

9ـ نابود کردن کید شیطان

10ـ سیطره یافتن بر القائات منفی و روابط منفی

11ـ متجلی شدن شئونات مختلف عبودیت(فردی، اجتماعی، دوستی، .ولایی..)

12ـ انسان برای متعالی شدنش نیازمند دغدغه مند بودن به نیازهای دیگران از جمله دوستان دینی اش میباشد. و برای عمل کردن به تعهداتش نیازمند روابط دوستی است

13ـ نازل شدن خیرات و رحمتهای خاص خداوندی بر قلوب(به واسطه ایجاد پیوندهای برادری انسانها در حصنی الهی قرار میگیرند که در اثر آن سنتهای نیکوی الهی بر قلوبشان جاری میشود)

14ـ تجلی دادن سبک دینداری پویا و بانشاط

15ـ هم عهد شدن در سیر یافتن به تشکیل امت واحده توحیدی.

همچنین توجه به پیامدهای نامطلوب ناشی از فقدان این رابطه و یا نقص و اختلال در این رابطه نوع انسان را به ضرورت تشکیل این ارتباط سیر میدهد.

عدم شکوفایی کامل اجتماعی، عدم اصلاح عیوب و نقص ها، عدم شکرگزاری کامل انسان از توانمندیها و نعمتهایی که خداوند داده است، عدم شکوفایی کامل فضل ها و استعدادها،عدم لذت بردن و حظ حقیقی از مومنین و مومنات، ایجاد تاخیر و کندی در تحقق منافع و مقاصد حقیقی انسان، جولان یافت شیطان، به انزوا رفتن پیوندهای دوستی و بردری و فعالسازی القائات منفی، محرومیت از خیرات و برکاتی که به واسطه پیوند برادری ریزش میکند، کمرنگ شدن حس مودت و محبت بین قلوب مومنین، غیر پویا شدن دینداری..

**\*)مرحله سوم : رجوع دوباره به آیات مبارکه سوره حجرات و برداشت مفاهیم از آیات حول محور نیاز اخذ شده**

نکات اخذ شده از آیات:

ـ) رابطه اخوت برای مومنین اختصاص دارد و باید نسبت به حفظ این ارتباط کوشید.

ـ) برقراری این رابطه حکمی است که از جانب خدا نازل شده و باید نسبت به آن همانند حق خدا بر مومن کوشید و در این صورت است که بهره مندی از رحمت خداوند به واسطه این پیوند ایجاد میشود

ـ)حفظ حدود برادری و اخوت بین مومنین ،حفظ امر و نهی خداوند است

ـ) تمسخر گروهی از مومنان ، گروهی دیگر را ظلمی است که انسان در حق خود و حق برادران مومنش مرتکب میشود

ـ)همچنین عیب جویی و صداکردن یکدیگر به القاب بد از اموری است که مختل کننده رابطه اخوت و برادری است و مخالف تقوا و حفظ حدود است

ـ) میتوان در این آیه مولفه های آسیب زننده به رابطه برادری را بیان کرد:

الف ) عملکرد ظن در حوزه منفی

ب) تجسس در اموری که خواهان مخفی بودن آنان مد نظر است

ج) غیبت نسبت به نفس برادر دیگری

همچنین حفظ و مصونیت پیدا کردن از این مولفه ها د ر رابطه برادری ، حفظ امر و نهی خداوند است

کسی که در حفظ و حدود رابطه ایمانی و برادری خود هوشیار باشد، در حقیقت نسبت به رعایت تقوای الهی و امر و نهی خداوند ملتزم بوده است.

بنابراین با تقواترین انسان کسی است که بر اوامر و نواهی خداوند پایبندی بیشتری داشته باشد، از طرفی در آیه بالا باکرامت ترین افراد به باتقواترین افراد معرفی شده اند. لذا کرامت مولفه وجودی در رابطه برادری است که به دلیل حفظ این رابطه، مولفه لازمه ای است

در مجموع از بررسی آیات بالا در میابیم دو مولفه اصلی و ملازم با رابطه اخوت، مشاهده نظام اکرام و اصلاح برای خود و دیگران است

برای فهم بیشتر از نحوه جاری شدن اکرام و اصلاح در رابطه برادری و بررسی مولفه های شاخص و محوری دیگر در این رابطه از روایات معصومین علیهم السلام، استعانت میجوییم:

**\*)مرحله چهارم: بررسی وجوه مختلف موضوع رابطه برادری و اخوت از منظر روایات:**

در این مرحله با ورود به حوزه روایات در پی کشف موضوعات مرتبط با رابطه برادری، چگونگی جاری شدن این رابطه، محدودیتهای موجود در رابطه برادری و آثار و برکات حاصل از این رابطه میباشیم.

(روایات استخراج شده از تصنیف غرر الحکم و درر الکلم باب در الفت و اخوت):

\*) رابطه دینی برطرف کننده غم های همدیگر

1ـ الْإِخْوَانُ جَلَاءُ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ‏

برادران برطرف کننده غمها و اندوه‏هايند.

\*) رابطه دینی ، حفظ کننده جان و ایثار کننده

2ـ أَخُوكَ الصَّدِيقُ مَنْ وَقَاكَ بِنَفْسِهِ وَ آثَرَكَ عَلَى مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ عِرْسِهِ‏

برادر دوست تو كسى است كه نگاه دارد ترا بنفس خود، و اختيار كند ترا بر مال خود، و فرزند خود، و زن خود، يعنى از براى حفظ و نگهدارى تو نفس خود را در معرض بلا و هلاكت اندازد و ترا بر مال و فرزند خود و زن خود ترجيح دهد.

\*) کافی بودن برادر در رابطه اخوت (تجلی احسان در رابطه برادری)

3ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ وَ خَيْرٌ مِنْهُ مَنْ كَفَاكَ وَ إِنِ احْتَاجَ إِلَيْكَ أَعْفَاكَ [خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ إِذَا احْتَجْتَ إِلَيْهِ كَفَاكَ وَ إِذَا احْتَاجَ إِلَيْكَ أَعْفَاكَ‏].

بهترين برادران تو كسيست كه مواسات كند با تو، و بهتر ازو كسيست كه كافى باشد ترا، و اگر محتاج شود بسوى تو معاف دارد ترا. «مواسات» چنانكه مكرّر مذكور شد دادن مال است بكسى يا در وقتى كه از قدر كفاف خود باشد

\*)مواسات در برادری

4ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ بِخَيْرِهِ وَ خَيْرٌ مِنْهُ مَنْ أَغْنَاكَ عَنْ غَيْرِهِ‏ (432/ 3).

بهترين برادران تو كسيست كه مواسات كند با تو بمال خود، و بهتر از او كسيست كه بى‏نياز سازد ترا از غير او.

\*(دعوت به خیر در رابطه برادری)/واسطه گری در هدایت به خیر و اجتناب از حرام

5ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى هُدًى وَ أَكْسَبَكَ تُقًى وَ صَدَّكَ عَنِ اتِّبَاعِ هَوًى‏

بهترين برادران تو كسى است كه دلالت كند ترا بر راه راستى، و كسب فرمايد ترا پرهيزگاريى، و منع كند ترا از پيروى خواهشى، يعنى خواهش حرامى.

\*) تجلی احسان در رابطه برادری

6ـ صَاحِبِ الْإِخْوَانَ بِالْإِحْسَانِ وَ تَغَمَّدْ ذُنُوبَهُمْ بِالْغُفْرَانِ‏

مصاحبت كن برادران را باحسان، و بپوشان گناهان ايشان را بدر گذشتن.

\*)تجلی احسان در برادری

7ـ لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ وَ أَخُوهُ جَائِعٌ‏

سير نمى‏شود مؤمن و برادر او گرسنه باشد، يعنى مؤمن كامل چنين نمى‏كند، يا اين كه مؤمن بايد كه چنين نكن

\*)خیر خواهی و نصح در رابطه برادری

8ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَقَلُّهُمْ مُصَانَعَةً فِي النَّصِيحَةِ

بهترين برادران كمترين ايشان است بحسب مدارا و مداهنه در نصيحت يعنى آنست كه مدارا و مداهنه او در نصيحت تو و منع كردن تو از بديها كمتر از ساير برادران باشد

\*)ناصح بودن در رابطه برادری

9ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَنْصَحُهُمْ وَ شَرُّهُمْ أَغَشُّهُمْ‏

بهترين برادران خالص‏ترين ايشانست و بدترين ايشان غشّ‏دارترين ايشانست.

\*) نظام ترویج اطاعت خدا در رابطه برادری

10ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ عَنَّفَكَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ‏

بهترين برادران تو كسى است كه سختى كند با تو در طاعت خداى سبحانه، يعنى در داشتن تو بر آن‏

\*)نظام تکریم و اکرام در برادری

11ـ الْإِخْوَانُ زِينَةٌ فِي الرَّخَاءِ وَ عُدَّةٌ فِي الْبَلَاءِ

برادران يعنى برادران حقيقى يا آنچه شامل دوستان هم باشد زينتى‏اند در حال فراخى عيش و مهيّا كرده شده‏اند در بلا، زيرا كه سعى كنند در رفع هر چه مقدور باشد از آن، و اگر مقدور نباشد هم تسلّى دهند اين كس را و تنها نگذارند و بايشان آرام گيرد و بلا چندان ننمايد

\*)احسان در رابطه برادری

12ـ لا یکونن اخوک علی الاساءه الیک اقوی منک علی الاحسان الیه

زنهار که برادر تو در بدی کردن به سوی تو قویتر از احسان کردن به تو باشد

\*)احسان در برادری/ذیل اعانه و کمک

13ـ أَفْضَلُ الْعُدَدِ ثِقَاتُ الْإِخْوَانِ‏

افزونترين آماده كرده شده‏ها برادران معتمدند يعنى افزونترين چيزها كه تهيّه شود و آماده كرده شود از براى روز نيك و بد برادران و دوستانى است كه اعتماد بر ايشان باشد، زيرا كه چنين برادران امداد و اعانت اين كس در وقت احتياج زياده از هر چيز كنند

\*)مواسات در برادری.

13ـ أَصْدَقُ الْإِخْوَانِ مَوَدَّةً أَفْضَلُهُمْ لِإِخْوَانِهِ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مُوَاسَاةً

راست‏ترين برادران از روى دوستى افزونترين ايشان است مر برادران خود را در شادى و سختى بحسب مواسات يعنى بخشش يا بخشش از قدر كفاف خود، يا برابر دانستن ايشان با خود و ترجيح ندادن خود بر ايشان، و در بعضى نسخه‏ها «فى السّرّاء مساواة و فى الضّرّاء مواساة» است و بنا بر اين معنى اينست كه: «افزونتر باشد در اين كه در شادى ايشان مساوى ايشان باشد، يعنى او نيز شاد گردد بشادى ايشان يا ايشان را با خود برابر داند در اموال خود و مضايقه نكند از ايشان در آنچه خواهند از تصرّف در اموال او مانند تصرّف او، و در وقتى كه ايشان در سختى باشند مواسات كند با ايشان يعنى البتّه چيزى ببخشد بايشان يا از قدر كفاف خود ببخشد هرگاه زياده بر آن نداشته باشد يا چنانكه از براى خود خرج ميكند براى ايشان نيز بكند.

\*)اکرام و تکریم در رابطه برادری

14ـ نِظَامُ الْكَرَمِ مُوَالاةُ الْإِحْسَانِ وَ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ‏

نظام كرم و رشته پيوستگى آن پى در پى كردن احسانست و مواسات كردن با برادران، مراد به «كرم» سخاوت وجودست يا گرامى و بلند مرتبه بودن، و به «مواسات» برابر دانستن كسى با خود در مال خود و مضايقه نكردن آن از او چنانكه مكرّر مذكور شد.

\*)اکرام و تکریم در برادری

15ـ نِظَامُ الدِّينِ خَصْلَتَانِ إِنْصَافُكَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ‏

نظام دين و رشته پيوستگى آن دو خصلت است، انصاف آوردن تو از جانب نفس خود، و مواسات كردن با برادران خود، «مواساة» چنانكه مكرّر مذكور شد شريك و سهيم دانستن كسيست با خود در مال خود و مضايقه نكردن آن از او.

\*) نظام داشتن گسترش رابطه برادری

16ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَا يُحْوِجُ إِخْوَانَهُ إِلَى سِوَاهُ‏

بهترين برادران آنست كه محتاج نگرداند برادران خود را بسوى غير خود. يعنى خود كفايت امور ايشان بكند و نگذارد كه محتاج بديگرى شوند.

برای ایجاد رابطه برادری و گسترش آن، از خود گذشتگی و انفاق های آشکار لازم است

\*)نظام داشتن گسترش رابطه برادری

17ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى إِخْوَانِهِ مُسْتَقْصِيا

بهترين برادران كسيست كه نبوده باشد بر برادران خود بنهايت رساننده يعنى پر سخت گيرى نكند بر برادران در رعايت حقوق خود، و نهايت آنرا از ايشان توقّع نداشته باشد، و اگر چيزى از آنها از يكى از برادران فوت شود مسامحه كند در آن و درگذرد.

در گسترش رابطه برادری لازم است فضای سخت گیری از بین رود

\*)نظام مند بودن گسترش رابطه برادری،

18ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ كَثُرَ إِغْضَابُهُ لَكَ فِي الْحَقِ‏

بهترين برادران تو كسيست كه بسيار باشد بخشم آوردن او ترا در حقّ، يعنى در آنچه حقّ باشد اگر خلاف حقّ از تو ببيند منع و زجر تو كند و از آن راه بسيار ترا بخشم آورد

ترویج حق مداری و توجه بر اجرای حق در گسترش رابطه برادری لازم است. لذا لازم است فرد خود عامل بر اجرای حق باشد تا با جلودار بودن در این امر دیگران را نیز دعوت کند

\*) نظام مند بودن گسترش رابطه برادری/تواصی ذیل آخرت گرایی

19ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ تَكُنْ عَلَى الدُّنْيَا أُخُوَّتُهُ‏

بهترين برادران كسيست كه نبوده باشد بر سر دنيا و از براى آن برادرى او.

\*)نظام مند بودن گسترش رابطه برادری/ محبت حقیقی بین قلوب برادران.

20ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ إِذَا فَقَدْتَهُ لَمْ تُحِبَّ الْبَقَاءَ بَعْدَهُ‏

بهترين برادران كسيست كه هرگاه نيابى او را دوست ندارى باقى ماندن را بعد از او.

\*)نظام مند بودن گسترش رابطه برادری/ترویج سرعت در خیرات

21ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَ جَذَبَكَ إِلَيْهِ وَ أَمَرَكَ بِالْبِرِّ وَ أَعَانَكَ عَلَيْهِ‏

بهترين برادران تو كسيست كه بخواند ترا براستى گفتار براستى گفتار خود، و متوجّه سازد ترا بسوى افزونترين عملها بنيكوئى عملهاى خود. يعنى كسى است كه راست گفتار نيكو كار باشد، و صحبت او در تو اثر كند، پس راست گفتارى او سبب راست گفتارى تو شود، و نيكوكارى او باعث نيكوكارى تو نيز گردد

\*)نظام مند بودن گسترش رابطه برادری/ صدق مدار بودن

22ـ خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ‏.

بهترين علم آنست كه اصلاح كنى بآن راه يافتن خود را، و بدترين آن آنست كه تباه كنى بآن آخرت خود را. مراد به «آنچه اصلاح كند بآن راه يافتن خود را» علمى است كه عمل بآن بشود و به «آنچه تباه كند بآن آخرت خود را» علمى است كه عمل بآن نشود. و ممكن است كه مراد باوّل علوم حقه باشد و بدوّم اعتقادات فاسده، بنا بر اين كه «علم» گاهى بر مطلق ادراك اطلاق مى‏شود خواه موافق واقع باشد و خواه مخالف آن‏

\*)نظام مند بودن رابطه برادری/ دعوت کننده به خیر

23ـ خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَعْوَنُهُمْ عَلَى الْخَيْرِ وَ أَعْمَلُهُمْ بِالْبِرِّ وَ أَرْفَقُهُمْ بِالْمُصَاحِبِ‏

بهترين برادران يارى كننده ترين ايشانست بر كار خير، و عمل كننده ترين ايشانست بنيكوئى، و نرمى كننده ترين ايشانست بمصاحب‏

\*)نظام مند بودن گسترش رابطه برادری

24ـ عَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصَّفَاءِ فَإِنَّهُمْ زِينَةٌ فِي الرَّخَاءِ وَ عَوْنٌ فِي الْبَلَاء

فراگير برادران پاك درون را، پس بدرستى كه ايشان آرايشى‏اند در فراخى، و يارى كننده‏اند در بلا.

\*)نظام احسان در رابطه برادری

25ـ مَنْ أَحْسَنَ مُصَاحَبَةَ الْإِخْوَانِ اسْتَدَامَ مِنْهُمُ الْوُصْلَةَ

هر كه نيكو كند مصاحبت برادران را پاينده دارد از ايشان پيوند را يعنى هميشه باو پيوندند و از او جدا نشوند

\*)نصح صادقانه در رابطه برادری

26ـ مَنْ لَمْ يَنْصَحْكَ فِي صَدَاقَتِهِ فَلَا تَعْذِرْه‏

هر كه صاف نباشد با تو در دوستى خود پس معذور مدار او را، مراد اينست‏

\*)نظام احسان در رابطه برادری

27ـ الْإِخْوَانُ أَفْضَلُ الْعُدَد

برادران برترين آماده شده‏هاست يعنى از براى امداد و اعانت اين كس در شدائد و سختيها و دفع ضرر دشمنان و اذيّت اهل روزگار، و مراد برادران نسبى است يا همه دوستان..

\*)مودت قلبی در رابطه برادری

28ـ اعْرِفِ الْمَوَدَّةَ فِي قَلْبِ أَخِيكَ بِمَا لَهُ فِي قَلْبِكَ.

محبّت قلبى برادرت را [با خود] توسّط محبّت قلبيت با او بفهم و درياب. يعنى: حقيقت محبّت خود در برادرت را در قلب خود جستجو كن)

**\*)**رابطه برادری، رابطه خیر آفرینی

29ـ مَنْ لَا إِخَاءَ لَهُ لَا خَيْرَ فِيهِ‏

هر كه برادرى نباشد از براى او نيست خيرى در او، مراد برادر مؤمنيست كه او را دوست و صديق كرده باشد

\*) تحذیر ، تنجید و رشد دهندگی در رابطه برادری/ذیل اصلاح..

30ـ عَلَيْكَ بِمُؤَاخَاةِ مَنْ حَذَّرَكَ وَ نَهَاكَ فَإِنَّهُ يُنْجِدُكَ وَ يُرْشِدُكَ‏

ملازم باش برادرى كسى را كه بترساند ترا و باز دارد ترا، پس بدرستى كه او بلند گرداند ترا و راه راست نمايد ترا، و مراد ترسانيدن از بديها و بازداشتن از آنهاست.‏

**\*)**رابطه برادری، سلم دهنده و امنیت بخش

31ـ اصْحَبْ أَخَا الْتُّقَى وَ الدِّينِ تَسْلَمْ وَ اسْتَرْشِدْهُ تَغْنَمْ‏

مصاحب و همراه شو با برادر پرهيزگارى و ديندارى تا بسلامت باشى، و طلب راه درست كن از او تا غنيمت و نفع يابى.

**\*)**شاخص در برادری: اهل حفظ و وفا بودن

32ـ لَا تَطْلُبَنَّ الْإِخَاءَ عِنْدَ أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ اطْلُبْهُ عِنْدَ أَهْلِ الْحِفَاظِ وَ الْوَفَاءِ

طلب مكن زينهار برادرى را نزد اهل جفا، و طلب كن آن را نزد اهل حفاظ و وفا، «جفا» مقابل صله و احسانست، و «حفاظ» بكسر حاء بى نقطه بمعنى نگهبانيست يعنى نگهبان خود بودن و نگاهداشتن از بديها و حرامها و ننگ داشتن از آنها.

**\*)**ممارات، ضد رابطه برادری

33ـ لَيْسَ بِرَفِيقٍ مَحْمُودٍ مَنْ أَحْوَجَ صَاحِبَهُ إِلَى مُمَارَاتِهِ‏

نيست رفيق ستوده شده طريقه كسى كه محتاج سازد مصاحب خود را بسوى جدال كردن با او

\*)حافظ حقوق در رابطه برادری/ برادر باید حفظ کننده حقوق برادر دیگر خود باش

34ـ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَحْوَجَكَ إِلَى حَاكِمٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَه‏.

نيست از براى تو برادر كسى كه محتاج سازد ترا بسوى حكم كننده ميانه تو و ميانه او، يعنى برادر تو بايد كه خود بخود احقاق حقوق تو بكند و نبايد كه نزد حاكمى بروى كه حكم كند ميانه تو و او، هر كه چنين نباشد او را برادر خود مدان.

**\*)**تدبیر در اصلاح روابط برادری

35ـ لَا تُوَاخِ مَنْ يَسْتُرُ مَنَاقِبَكَ وَ يَنْشُرُ مَثَالِبَكَ‏

برادرى مكن با كسى كه بپوشاند مناقب ترا و پهن كند مثالب ترا، يعنى عيبهاى ترا

**\*)**صادق و امین بودن در رابطه برادری

36ـ شَرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ دَاهَنَكَ فِي نَفْسِكَ وَ سَاتَرَكَ عَيْبَك‏

بدترين برادران تو كسيست كه مداهنه كند با تو در باب نفس تو، و بپوشاند از تو عيب ترا. مراد به «مداهنه كردن در باب نفس او» اينست كه غشّ كند با او در باره او و عيبى كه در او بيند اظهار نكند باو، «پس پوشاندن عيب او از او» بمنزله تفسير و تأكيد آنست

\*) نظام احسان و صدق در رابطه برادری

37ـ شَرُّ النَّاسِ مَنْ سَعَى بِالْإِخْوَانِ وَ نَسِيَ الْإِحْسَانَ‏

بدترين مردم كسيست كه چغلى‏ «2» برادران كند و فراموش كند احسان را يعنى احسانی که به او شده باشد

\*) ساختار غفران و ستر و قبول عذر و امنیت بخشی و حفظ کننده حق ذیل اصلاح روابط برادری

38ـ إِنَّ أَخَاكَ حَقّاً مَنْ غَفَرَ زَلَّتَكَ وَ سَدَّ خَلَّتَكَ وَ قَبِلَ عُذْرَكَ وَ سَتَرَ عَوْرَتَكَ وَ نَفَى وَجَلَكَ وَ حَقَّقَ أَمَلَك‏

بدرستى كه برادر تو بحقّ كسى است كه ببخشد لغزش ترا، و ببندد و حاجت ترا، و قبول كند عذر ترا، و بپوشاند عورت ترا، و زايل كند ترس ترا، و ثابت سازد اميد ترا، مراد به «بستن حاجت» اين است كه ترا محتاج نگذارد و آنچه را محتاج بآن باشى اگر تواند بتو بدهد تا رخنه حاجت تو بسته شود، و به «قبول كردن عذر» اين كه اگر بحسب ظاهر تقصيرى كرده باشى و عذرى از براى آن بگوئى عذر ترا قبول كند و با وجود آن ديگر ترا مؤاخذه ننمايد، و به «پوشيدن عورت» اين كه هرگاه مطّلع شود بر چيزى از تو كه خواهى كه آن پنهان باشد مثل خطا و لغزشى يا عيبى بپوشاند آن را و نزد كسى اظهار ننمايد، و به «زايل كردن ترس» اين كه اگر كارى كرده باشى نسبت باو كه بترسى از آن كه مبادا بسبب آن مؤاخذه نمايد ترا بگذرد از آن و ترس ترا زايل كند، و به «ثابت ساختن اميد» اين كه هر اميدى كه باو داشته باشى از رعايت و اعانت و اكرام و احسان بجاى آورد آن را و نوميد نسازد ترا.

\*)ثمره پیوند برادری :حفظ نفس همدیگر و ناصح بودن در بیان عیوب

39ـ ثَمَرَةُ الْأُخُوَّةِ حِفْظُ الْغَيْبِ وَ إِهْدَاءُ الْعَيْبِ‏

ميوه برادرى حفظ غيبست و هديه دادن عيب يعنى. اينست كه هر يك در غايبانه ديگرى جانب او را نگاهدارند بذكر و ياد او بخوبى، و زجر و منع كسى كه او را ببدى ياد كند و دعا و استغفار و مانند اينها از لوازم برادرى. و مراد به «هديه آوردن عيب» اينست كه عيب هم را بيكديگر بگويند تا از خود زايل كنند و اين را بمنزله تحفه و هديه دانند كه برادران از براى يكديگر مى‏برند چه تحفه و هديه به از اين نمى‏باشد كه عيبى از كسى زايل شود و مراد به «برادرى» دوستى است يا مطلق برادرى كه همه مؤمنان با يكديگر دارند بسبب ايمان كه در حقيقت آن هم دوستى را لازم دارد.

\*) نظام رفق و کفایت و احسان در برادری

40ـ رْفُقْ بِإِخْوَانِكَ وَ اكْفِهِمْ غَرْبَ لِسَانِكَ وَ أَجْرِ عَلَيْهِمْ سَيْبَ [سَبَبَ‏] إِحْسَانِك‏

نرمى كن با برادران خود و نگاهدار از ايشان تندى زبان خود را و روان كن بر ايشان بخشش احسان خود را.

\*)حافظ و امین بودن از نفس همدیگر در رابطه برادری/ غیبت مخل امنیت و مخل حفظ نفس برادر است

41ـ اذْكُرْ أَخَاكَ إِذَا غَابَ بِالَّذِي تُحِبُّ أَنْ يَذْكُرَكَ بِهِ وَ إِيَّاكَ وَ مَا يَكْرَهُ وَ دَعْهُ مِمَّا تُحِبُّ أَنْ يَدَعَكَ مِن

ياد كن برادر خود را هرگاه غايب باشد به آن چه دوست مى‏دارى كه او ياد كند ترا بآن، و بپرهيز از آنچه ناخوش دارد يعنى از ياد كردن بآن، و واگذار او را از آنچه دوست مى‏دارى كه واگذارد او ترا از آن، يعنى بعضى تكاليفى شاقّ كه تو دوست مى‏دارى كه او بتو نكند تو نيز او را چنين تكاليف مكن و واگذار او را از آنه

\*)نظام نصح، تباذل و تعاون و تناهی و تناصر و اخلاص در رابطه برادری/ بیان شئونات مختلف در این رابطه

42ـ تُبْتَنَى الْأُخُوَّةُ فِي اللَّهِ عَلَى التَّنَاصُحِ فِي اللَّهِ وَ التَّبَاذُلِ فِي اللَّهِ وَ التَّعَاوُنِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ التَّنَاهِي عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ التَّنَاصُرِ فِي اللَّهِ وَ إِخْلَاصِ الْمَحَبَّة

بنا گذاشته مى‏شود برادرى در راه خدا بر نصيحت‏كردن يكديگر در راه خدا، و بخشش كردن بيكديگر در راه خدا، و مدد كردن بر يكديگر بر فرمانبردارى خدا، و بازداشتن يكديگر از نافرمانيهاى خدا، و يارى كردن يكديگر در راه خدا، و خالص كردن دوستى با يكديگر. مراد به «نصيحت كردن» چنانكه مكرّر مذكور شد خالص بودن و غشّ نكردن است، يا پند دادن و موعظه كردن‏

روایات استخراج شده از منبع تحف العقول:

\*) بیان عوامل ضدرابطه برادری(دشنام و محرومیت و گمان بد)

43ـ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخُ الْمُؤْمِنِ لَا يَشْتِمُهُ وَ لَا يَحْرِمُهُ وَ لَا يُسِي‏ءُ بِهِ الظَّنَّ

مؤمن برادر مؤمن است، از اين رو نه او را دشنام گويد، و نه محرومش سازد، و نه بدو گمان بد برد

\*) غیبت مخل رابطه برادری

44ـ مِنَ الْغِيبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَأَمَّا الْأَمْرُ الظَّاهِرُ مِنْهُ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَ الْعَجَلَةِ فَلَا بَأْسَ أَنْ تَقُولَهُ وَ إِنَّ الْبُهْتَانَ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِي

از موارد غيبت آن است كه در باره برادرت چيزى را بازگوئى (فاش كنى) كه خداوند آن را بر او پوشيده داشته، امّا امور ظاهرى او از قبيل: تندى، و شتاب كردن هيچ عيبى به بازگوئى آنها نيست. و بهتان آن است كه در باره برادرت آن گوئى كه در او نيست‏

\*)اعانت و کمک در رابطه برادری

45ـ لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ لِأَخِيهِ صَدِيقاً حَتَّى يَحْفَظَهُ فِي نَكْبَتِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِه‏

هيچ كس دوست و يار مهربان برادر خود نباشد تا در هنگام گرفتارى او را يارى كند، و پس از وفات، پشتيبان و نگهدار او باشد.

\*) بیان انواع برادری دینی با انگیزه و کارکردهای مختلف

46ـ الْإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ فَأَخٌ لَكَ وَ لَهُ وَ أَخٌ لَكَ وَ أَخٌ عَلَيْكَ وَ أَخٌ لَا لَكَ وَ لَا لَهُ فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ ع الْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ وَ لَهُ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ بَقَاءَ الْإِخَاءِ وَ لَا يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ مَوْتَ الْإِخَاءِ فَهَذَا لَكَ وَ لَهُ لِأَنَّهُ إِذَا تَمَّ الْإِخَاءُ طَابَتْ حَيَاتُهُمَا جَمِيعاً وَ إِذَا دَخَلَ الْإِخَاءُ فِي حَالِ التَّنَاقُضِ بَطَلَ جَمِيعاً وَ الْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي قَدْ خَرَجَ بِنَفْسِهِ عَنْ حَالِ الطَّمَعِ إِلَى حَالِ الرَّغْبَةِ فَلَمْ يَطْمَعْ فِي الدُّنْيَا إِذَا رَغِبَ فِي الْإِخَاءِ فَهَذَا مُوَفِّرٌ «3» عَلَيْكَ بِكُلِّيَّتِهِ وَ الْأَخُ الَّذِي هُوَ عَلَيْكَ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَتَرَبَّصُ بِكَ الدَّوَائِرَ «4» وَ يُغَشِّي [يُفْشِي‏] السَّرَائِرَ وَ يَكْذِبُ عَلَيْكَ بَيْنَ الْعَشَائِرِ وَ يَنْظُرُ فِي وَجْهِكَ نَظَرَ الْحَاسِدِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ الْوَاحِدِ وَ الْأَخُ الَّذِي لَا لَكَ وَ لَا لَهُ فَهُوَ الَّذِي قَدْ مَلَأَهُ اللَّهُ حُمْقاً فَأَبْعَدَهُ سُحْقاً «5» فَتَرَاهُ يُؤْثِرُ نَفْسَهُ عَلَيْكَ وَ يَطْلُبُ شُحّاً مَا لَدَيْكَ.

برادران چهار دسته‏اند: 1- سودمند براى تو و خود، 2- و سودمند براى تو، 3- موجب زيان تو، 4- و برادرى كه نه براى تو سودى دارد و نه براى خودش زيانى. سؤال شد: اينها را بيان فرمائيد، فرمود: آن برادرى كه به تو و خودش سود مى‏رساند رفيقى است كه با اين كار بدنبال دوام رفاقت و برادرى است، نه قطع و نابودى آن، پس اين فرد هم براى تو سودمند است و هم براى خويش، زيرا هنگامى كه برادرى به كمال رسد زندگى هر دوشان نكو گردد، و چون دو رنگى و دگرگونى در آن رسوخ كند همه‏اش باطل گردد. و آن برادرى كه فقط به سود توست رفيقى است كه طمع را از خود دور ساخته و تنها شيفته و آرزومند رفاقت و برادرى است، پس چون اين گونه است هيچ طمعى به دنيا ندارد، پس يك چنين رفيقى همه چيزش را به تو ببخشد. و آن برادرى كه موجب زيان توست رفيقى است كه انتظار گرفتارى تو را مى‏كشد، و اسرار درون پنهان مى‏سازد، و در بين فاميل بر تو دروغ مى‏بندد، و در تو همچون حسودان مى‏نگرد، بر چنين كسى لعنت خداى يگانه باد! و آن برادرى كه نه سودى براى تو خودش ندارد، آن رفيقى است كه خداوند او را انباشته از حماقت و نادانى كرده و از رحمت خود بسيار دور ساخته، اين رفيق را مى‏بينى كه خود را بر تو ترجيح مى‏دهد و از سر از بدنبال مال تو مى‏باشد (چشم به مال تو دارد).

\*)محبت در رابطه برادری در راستای عبودیت

47ـ نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَ الْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ.

نگاه مؤمن در روى برادر مؤمنش براى اظهار دوستى و محبّت او عبادت است

\*)کارکرد هدایتی رابطه برادری با محوریت رفع عیوب برادران از یکدیگر

48ـ أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي‏

نزد من آن برادرم از همه محبوبتر است كه عيبهايم را بمن گوشزد كند

\*) شاخص های محوری در گسترش و حفظ رابطه برادری: صدق، آیینه بودن برای یکدیگر،احسان و همراهی مستمر در شرایط گونگون و سخت

49ـ لَا تَكُونُ الصَّدَاقَةُ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ هَذِهِ الْحُدُودُ أَوْ شَيْ‏ءٌ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا تَنْسُبْهُ إِلَى شَيْ‏ءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ فَأَوَّلُهَا أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِيَةُ أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَهُ وَ شَيْنَكَ شَيْنَهُ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ لَا تُغَيِّرَهُ عَلَيْكَ وِلَايَةٌ وَ لَا مَالٌ وَ الرَّابِعَةُ لَا يَمْنَعُكَ شَيْئاً تَنَالُهُ مَقْدُرَتُهُ‏ «5» وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ أَنْ لَا يُسْلِمَكَ عِنْدَ النَّكَبَاتِ.

دوستى جز با رعايت شرايطش دوستى نيست، پس هر كس كه آن شرايط يا قسمتى از آن را داشت [او دوست است‏] و گر نه او را دوست مخوان: 1- نخستين شرطش آن است كه ظاهر و باطنش برايت يكسان باشد، 2- زيبائى و زشتى تو را زيبائى و زشتى خود بيند، 3- نه مقام و نه ثروت حالش را با تو تغيير ندهد، 4- از فراهم كردن هيچ چيز برايت دريغ نكند، 5- و آخرين شرط- كه جامع تمام خصلتها است-؛ بروزگار سختى و مشكلات تنهايت نگذارد

**با توجه به مطالعه دسته ای از روایات رابطه اخوت و برادری در میابیم:**

ـ)آن چیزی که روح حاکم بر این رابطه است حق و اطاعت و عبودیت ذیل لوای حق میباشد.

ـ) در رابطه اخوت همه نظامها و شیوه های رفتار با دیگران با جهت آخرت گرایانه و بر مدار عبودیت خداوند جهت دهی میشوند.

ـ) بر این اساس اصولی که در رابطه برادری جاری میشوند با محوریت دیگرخواهی و با توجه به نیازهای دیگران میباشند.

ـ)از مولفه های محوری بدست آمده از آیات و روایات ذیل رابطه برادری، جاری شدن اکرام و احسان و اصلاح و گسترش پیوسته رابطه حقیقی میباشد.

ـ)مصاحبت احسان گونه، خیر خواهی ، امین بودن برای دیگران، حفظ کننده دیگران با نفس خویش، اعنات و کمک های آشکار و پنهان خالصانه، ناصح بودن ، سلم دهندگی و امنیت بخشی، ایجاد انس و الفت بین قلوب یکدیگر،مودتهای قلبی ،را میتوان ذیل جاری شدن احسان در این رابطه فرض کرد.

ـ)دعوت کننده به خیرات، ترویج اطاعت خداوند ، واسطه گری در هدایت به خیر و اجتناب از حرامها، رفع کننده عیوب یکدیگر، واکنش داشتن نسبت به همراستایی با نظام حق، چشم پوشی از خطاهای یکدیگر، را میتوان ذیل اصلاح بین در این رابطه فرض کرد(مولفه هایی که در پی پر کردن نقصها و کاستی های موجود وجود دارد )

ـ)رابطه برادری رابطه ای خیرآفرین و رشدافزاست. لذا هر واقعه ای که در این رابطه رخ میدهد متناظر با رشد خود و دیگران و نیازهای حقیقی آنان تعریف میشود

ـ)برای اینکه انسان بتواند حاجات برادر دیگر خود و مشکلات او را در حد وسع رفع کند، نیازمند خودسازی و جهاد در رفع عیوب خود است. بنابراین اصل اولی در رابطه برادری توجه تام داشتن بر نقایص خود و بالا بردن ظرفیت وجودی و رشدی خود میباشد.

ـ) نکته حائز اهمیتی که در این رابطه وجود دارد استمرار و پیوستگی جریان اخوت در شرایط گوناگون و سخت است. برای همین است که برادران در آسایش و سختی دوشادوش هم گام برمیدارند.

ـ) از شاخصه های مهم در رابطه برادری ترویج گر سرعت در خیرات میباشد. بنابراین از اثرات تحقق این پیوند ارتقاء کمی و کیفی وقوع اعمال خیر میباشد

ـ)رابطه برادری رابطه ای منعطف، مکرمانه، همراه با نشاط و ضد سخت گیری است. لذا توجه داشتن به روان بودن امور در این پیوند (روان بودن احسان.. روان بودن رفع نواقص.. روان بودن موعظه ها و پندها..)حائز اهمیت است.

ـ)حافظ بودن انسان در این رابطه اصلی اساسی است. اینکه انسان بتواند با نفس خود حافظ امور برادرانش ، و حافظ آنان در مسیر حق باشد.در روایات میوه پیوند اخوت حفظ العیب معرفی شده است

ـ)صدق و اخلاص در مواجهه با دیگران از شاخصه های دیگر این رابطه است.

ـ) از ثمرات پربرکت این پیوند، همراستایی دیگران در ورود به رابطه برادری، گسترش دینمداری و بهره مندی از موهبات آن، ساختار سازی جریانات خیر، و ترغیب دیگران و هدایت آنان در ورود به این پیوند میباشد.که این امر در راستای تفکر اجتماعی به جلو میرود

ـ) پیوند برادری پیوندی است که در درون خود حسن داشته و بروز عینی آن نیز به همراه حسن است. در این رابطه نظام ستر و پوشش ونرمش و جبران کنندگی و تعاون و حفظ حاکم است. برای همین هیچکدام از برادران نسبت به برادر دیگر خود را در منطقه ضعف یا قوت و یا مقایسه نمی انگارد.

ـ) به دلیل وجود مواسات در این پیوند انسان در مواجهه با دیگران همه حقی که برای خود قائل است برای ایشان نیز قائل است و خود را و دیگران را در بهره مندی یکسان میبیند. در نتیجه نگاه از بالا به پایین به دیگران وجود ندارد

ـ)رابطه اخوت دارای طیف و مراتب است . و به نسبت عامل بودن و تقوای از خداوند افراد در لایه های مختلف این پیوند قرار میگیرند. به عنوان نمونه تعبیر خیر الاخوان و بیان ویژگیهای آنان از منظ روایات حاوی این نکته است که عده ای در اوج این پیوند قرار داشته و با عاملیت خود به احکام جریانسازی خیر و براردرانه را گسترش داده و دیگران را در این وادی امن وارد میسازند.

ـ)از ثمرات دیگر این پیوند اهداء العیب میباشد. مراد به «هديه آوردن عيب» اينست كه عيب هم را بيكديگر بگويند تا از خود زايل كنند و اين را بمنزله تحفه و هديه دانند كه برادران از براى يكديگر مى‏برند چه تحفه و هديه به از اين نمى‏باشد كه عيبى از كسى زايل شود و مراد به «برادرى» دوستى است يا مطلق برادرى كه همه مؤمنان با يكديگر دارند بسبب ايمان كه در حقيقت آن هم دوستى را لازم دارد

ـ) غیبت به دلیل متذلل کننده جان و نفس و مال برادر دیگر، در این رابطه وجود نداشته و جزء عوامل مخل این رابطه است.

ـ) همچنین روایات نورانی نسبت به گمان بد، مداهنه ,عدم اخلاص، دشنام، حسد، طمع دنیایی،ممارات، ترجیح خود بر دیگران، تندی زبان ، دروغ،جفا،عدم صدق، عدم اخلاص، غش در رابطه، در پیوند اخوت به عنوان عومال مختل کننده و محدود کننده و آسیب زننده نام برده شده اند.

**مرحله پنجم: جریان نظام اسماء در پیوند و رابطه برادری و اخوت:**

آنچه انسان را در این وادی وقوف میدهد، عمل بر مبنای آنچیزی است که از وحی و شریعت خداوند دریافت کرده است. و انچیزی که در این مرحله مهم است، رویت اثر جاری شدن حکم خداوند که همان تقوای از خداوند است، میباشد...واتقوا الله لعلکم ترحمون

اما میتوان به عنوان بیان دعا و طلب در رابطه با رویت اسماء خداوند به واسطه جاری کردن احکام الهی بر این پیوند، ارتباط این احکام را با اسماء بررسی کرده و در انتظار مواجهه حقیقی با آنان عزمهای خود را در راستای ارتقاء عبودیتمان به کار بندیم.

|  |  |
| --- | --- |
| اسماء الهی | وجه ارتباط با اسم |
| رحیم | هر کسی که متناسب با گیرنده افاضه خیر میکند( رابطه اخوت، ناظر به نیاز دیگران و شکوفایی خود و دیگران میباشد) |
| لطیف | هرکسی که با نرمی و دقت عمل میکند(منعطف بودن از ویژگیهای این رابطه میباشد) |
| رووف | هر کس لطفش با الم و کراهت همراه نیست(سخت گیر نبودن از ویژگیهای این رابطه میباشد) |
| ودود | دوست داشتن بر اساس حق(رابطه اخوت بر مدار حق میباشد) |
| کریم | هر حقیقت دارای عزت و تفوق و افاضه کننده خیر بدون توقع(اکرام و کرامت از مولفه های محوری در رابطه اخوت است) |
| شاکر،شکور | استفاده کردن نعمت مطابق با غرضی که برای آن قرار داده شده است(در رابطه اخوت از همه توانمدیها و فضلها و نعمتها در راستای نفع حقیقی استفاده میشود) |
| حلیم | هر کاری که از روی خرد و علم و بدون هیجان ناشی از حالات صورت گیرد(در رابطه اخوت اعمال و رفتارها با تدبیر انجام میگیرد و شتابزده نیست) |
| عفوّ | کسی که از روی بزرگواری از خطایی در می گذرد(عفو ،از ویژگیهای در این رابطه است) |
| تواب | توجه برای برطرف کردن هرگونه نقصی(در رابطه اخوت رفع نواقص و عیوب ذیل اصل اصلاح جاری میشود) |
| حافظ | هر مراقبتی برای نگهداری چیزی است(حفظ ، جزء مولفه های اصلی در رابطه بردری است: حافظ جان و نفس و دین برادر بودن) |
| حسیب | هر کسی که از چیزی نگهبانی میکند تا آن را نگهداری کند(یکی از ویژگیهای در این رابطه پاسداری از نفس برادر است) |
| رب | هر کسی که تدبیری را به جهت سوق دادن امور به سمت کمال بر عهده دارد(تدبیر از مفاهیمی است که در رابطه برادری ذیل احسان و اصلاح جاری میشود) |
| حیّ | هر موجودی که دارای تحرک و تحسس است(اساس رابطه اخوت ذیل حیات تعریف میشود زیرا مبنایش آخرت گرایانه ، دائمی و پیوسته است) |
| مومن | هر کسی که برطرف کننده وحشت و اضطراب است(از ویژگیهای رابطه اخوت امنیت دهی و ضد ترس میباشد) |
| سلام | هر کسی که به دور از نقص ،آسیب و ضعف باشد(رابطه اخوت بر مداری برائت از نواقص و آسیبهای مخل هدایت و رشد میباشد) |
| وهاب | هر عطایی که در آن توقع عوض نباشد(اساس رابطه اخوت بر بی توقعی و دیگرخواهی است) |
| رزاق | هر کسی که منجر به استمرار حیاتی شود(گسترش روابط برادری، پیوسته و دائمی کردن این رابطه که ذیل اصلاح در پیوند اخوت تعریف میشود) |
| واسع | هر کسی که به سمت کمال، گسترشی ایجاد کند(رابطه اخوت در راستای رشد و هدایت در حال گسترش بین دیگران میباشد) |
| نصیر | هر کسی که به حق دیگران را یاری رساند(اعانت و کمک ذیل احسان در پیوند اخوت جاری میشود) |
| ولی | هر کسی که به سرپرستی کسی مبادرت می ورزد(مرتبه اولی در رابطه اخوت نقش پیشوا و رهبری بر دیگران را دارد) |
| وکیل | هر کسی که بر اساس اعتماد به او اموری واگذار میشود(در رابطه اخوت، عده ای با اثبات امین و ناصح بودن خود امور رشد و هدایت دیگران را به عهده میگیرند) |
| برّ | هر کسی که به دیگران لطف و مهربانی میکند(از ویژگیهای جاری در پیوند اخوت بر و نیکی ذیل اکرام و احسان است) |
| نور | هر گاه حقیقت آشکار شود(اثرات پیوند اخوت احیای نور در قلوب مومنی است به واسطه نزول رحمات خداوند) |
| غنی | هرگاه کسی نسبت به چیزی نیاز نداشته باشد(نیاز در رابطه اخوت به مال و نفس و جان دیگران نیست) |
| احکم الحاکمین | هرگاه باید و نبایدی بر اساس حق جاری و حدود مشخص شود(در رابطه اخوت ذیل اصلاح، توجه ویژه بر جاری شدن احکامم خداوند وجود دارد) |
| مستعان | هر کسی که یاری اش خواسته شود(التزام دیگران بر پیوران و عاملان به دین در رابطه اخوت) |
| حفیّ | هرگاه در روابطی صفا و خلوص و یکرنگی حاکم باشد(رابطه اخوت رابطه ای با صفا و خالصانه است) |
| ذوالفضل العظیم | هر خوبی و خیری که بیش از حد مقرر باشد(در رابطه اخوت بیش از انتظار دیگران جریان خیر بر ایشان نازل میشود) |
| فاعل | هر جا که اثری مشاهده میشود(اثرات حاصل از پیوند اخوت که نمایان میشود) |
| شفیع | هر گونه کمک به دیگری برای رفع نیاز او(اعنت و کمک در رابطه برادری ذیل احسان) |
| کاشف الضر | هر برطرف کننده غم و اندوهی(خیر الاخوان جلاء الهموم و الاحزان) |
| رقیب | هر کس که محافظ و مراقب است(در رابطه برادری، برادران حافظ یکدیگرند) |
| فالق الاصباح | هر جا که تمایزی صورت میگیرد(در رابطه برادری تمایز بین هدایت و عدم هدایت، رشد و عدم رشد، قیام و قعود، کندی و سرعت، عیب و رفع عیب و... مشهود است) |
| محیی | هر حقیقت افاضه کننده حیات(رابطه برادری و تخوت حیات ساز است) |
| بصیر | هر کسی که چیزی را میبیند(در رابطه برادری رئیت و تعمق و توجه انسان بر کمالات و بروز آنها و رویت عیبها و رفع آنها مشهود است) |
| حق | هر حقیقت جاری ثابت(اصول رابطه اخوت بر مدار حق و تجلیات حق و جاری شدن احکام خداوند است) |
| غفور | کسی که از بین برنده آثار بدی و موانع خیر باشد(غفران از جریاناتی است که ذیل اصل اصلاح در رابطه اخوت وجود دارد) |
| خالق/ باری | هر کسی که چیزی را پدیدار میکند(رابطه برادری خالق الفت ها و مودتها و اتصالها و جریانات خیر اجتماعی و.. است) |

1. كلمه" لمز" كه مصدر" تلمزوا" است- به طورى كه گفته‏اند - به معناى اين است كه شخصى را به عيبش آگاه سازى. و اگر كلمه مزبور را در آیه " وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ" مقيد به قيد" انفسكم- خود را" نموده، براى اشاره به اين است كه مسلمانان در يك مجتمع زندگى مى‏كنند، و در حقيقت همه از همند، و فاش كردن عيب يك نفر در حقيقت فاش كردن عيب خود است. پس بايد از لمز ديگران به طور جدى احتراز جست همان طور كه از لمز خودت احتراز دارى، و هرگز عيب خودت را نمى‏گويى و همانطور كه حاضر نيستى ديگران عيب تو را بگويند. پس كلمه" أنفسكم" با همه كوتاهى‏اش حكمت نهى را بيان‏ [↑](#footnote-ref-1)
2. [↑](#footnote-ref-2)